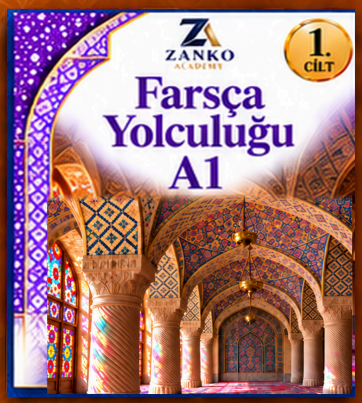
ZANKO
ACADEMY

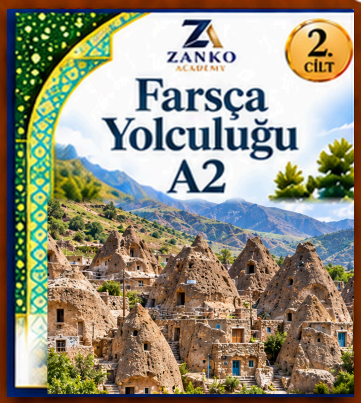
5. CİLT

FARSÇA YOLCULUĞU C1



Serinin Diğer Kitapları









Zanko Mahmoudi

Academy_Zanko

Bu Kitap Nasıl Kullanılır?

Bu ciltte yorumunuzu metindeki kanıtlara dayandırın. Gerektiğinde önceki ciltlerdeki ilgili konuya dönün.

01 **Önce hikâyenin akışını izleyin.**

İlk okumada kişileri, amaçlarını ve olayların sırasını belirleyin. İkinci okumada farklı bakış açılarına, belirsiz ifadelere ve verilen kararların sınırlarına odaklanın.

02 **Kelimeleri bağlam içinde inceleyin.**

Farsça açıklamaları hikâyedeki kullanımla karşılaştırın. Günlük konuşma biçimlerini fark edin; bunları standart yazı diliyle karıştırmayın.

03 **Dilsel ipuçlarını takip edin.**

Koşul, zaman, olumsuzluk, karşıtlık ve olasılık ifadelerini inceleyin. Kimin konuştuğunu ve bir zamirin kimi ya da neyi belirttiğini kontrol edin.

04 **Seçiminizi gerekçelendirin.**

Beş seçeneği değerlendirin. Doğru cevabın dayanağını bulun; diğer seçeneklerdeki kişi, zaman, kapsam veya kesinlik farklarını açıklayın.

05 **Ek metinlere ve şiire zaman ayırın.**

Kültür ve bilgi metinlerinde ana düşünceyi ayrıntılardan ayırın. Şiirde önce beyitleri, sonra anlam açıklamasını ve kelimeleri okuyun. Türkçe çeviriyle kendi yorumunuzu karşılaştırın.

06 **Çeviri ve cevap anahtarını kontrol için kullanın.**

Önce kendi cevabınızı oluşturun. Sonra çeviriye veya açıklamalı anahtara bakın; yanlış yaptığınız soruda ilgili Farsça bölüme geri dönün.

07 **Her beş dersten sonra tekrar edin.**

Tekrarı bağımsız çözün. Zorlandığınız yapılarda ilgili derslere dönün. Doğru cevabı bulmanın yanında gerekçesini de açıklayın.

Dijital sürümü nasıl kullanabilirsiniz?

Yanıtı aynı sayfada açıp kapatın.

Bir sorunun numarasına tıklayın. Yanıtı yeniden gizlemek için aynı numaraya tekrar tıklayın. Çoktan seçmeli sorularda doğru seçenek yeşil, diğerleri kırmızı görünür. Boşluklarda yalnızca gerekli kelime ya da ifade belirir; noktalar kaybolur.

Bir gruptaki bütün yanıtları görüntüleyin.

Alıştırma başlığına tıklamak tüm yanıtları açar; hepsi açıkken tekrar tıklamak tümünü kapatır. JavaScript destekleyen uyumlu okuyucularda, yalnızca bazı yanıtlar açıkken başlığa tıklamak tümünü açar. Diğer okuyucularda yanıtları soru numaralarından ayrı ayrı açıp kapatabilirsiniz.

Ek bölümlerin çevirisini okuyun.

«فرهنگ ایران» «بیشتر بدانیم» «شعر بخوانیم»
Bu başlıklara tıklayarak ilgili bölümün tamamını aynı alanda Türkçe görüntüleyebilirsiniz. Aynı başlığa tekrar tıklayınca Farsça metin geri gelir. Şiir çevirisi, şair bilgisini, beyitleri, anlam açıklamasını ve kelimeleri de kapsar.

İlgili derse ya da tekrara dönün.

Ana metnin çeviri sayfalarındaki “Derse Dön” bağlantısı aynı dersin, “Tekrara Dön” bağlantısı aynı tekrarın Farsça metninin başlangıcına götürür. Alt bilgideki bağlantılarla içindekiler ve cevap anahtarı arasında geçiş yapabilirsiniz.

Önce kendiniz çözün, sonra karşılaştırın.

Etkileşimli alanlar seçiminizi kaydetmez, otomatik değerlendirme yapmaz ve puan vermez. Cevabı gördükten sonra gerekçesini de inceleyin. Normal yazdırma görünümünde sorular ve Farsça metinler esas alınır.

Okuyucunuz etkileşimi desteklemiyorsa

Kitabın sonundaki açıklamalı cevap anahtarını kullanın. PDF okuyucularının katman ve etkileşim desteği farklı olabilir; bütün cihazlarda aynı davranış garanti edilmez.

بخش ۱

فهرست کتاب

درس ۱؛ ماجرا از اینجا شروع شد

متن اصلی	۴	واژه‌ها و کاربرد زبان	۷
تمرین‌ها	۹	فرهنگ ایران	۱۶
شعر بخوانیم	۱۷	بیشتر بدانیم	۱۸
ترجمهٔ ترکی متن	۱۹	پاسخ‌نامه	۲۹۸

درس ۲؛ آن‌طرفِ در

متن اصلی	۲۲	واژه‌ها و کاربرد زبان	۲۴
تمرین‌ها	۲۶	فرهنگ ایران	۳۲
شعر بخوانیم	۳۳	بیشتر بدانیم	۳۴
ترجمهٔ ترکی متن	۳۵	پاسخ‌نامه	۳۰۱

درس ۳؛ بین دو پیام

متن اصلی	۳۸	واژه‌ها و کاربرد زبان	۴۰
تمرین‌ها	۴۲	فرهنگ ایران	۴۸
شعر بخوانیم	۴۹	بیشتر بدانیم	۵۰
ترجمهٔ ترکی متن	۵۱	پاسخ‌نامه	۳۰۳

درس ۴؛ حرفی که عوض شد

متن اصلی	۵۴	واژه‌ها و کاربرد زبان	۵۶
تمرین‌ها	۵۸	فرهنگ ایران	۶۴
شعر بخوانیم	۶۵	بیشتر بدانیم	۶۶
ترجمهٔ ترکی متن	۶۷	پاسخ‌نامه	۳۰۵

درس ۵؛ سه خواننده، سه نگاه

متن اصلی	۷۰	واژه‌ها و کاربرد زبان	۷۲
تمرین‌ها	۷۴	فرهنگ ایران	۸۰
شعر بخوانیم	۸۱	بیشتر بدانیم	۸۲
ترجمهٔ ترکی متن	۸۳	پاسخ‌نامه	۳۰۷

مرور ۱؛ همان قصه، زبانی دیگر

متن مرور	۸۶	تمرین‌ها	۸۸
ترجمهٔ ترکی متن	۹۶	پاسخ‌نامه	۳۰۹

بخش ۲

فهرست کتاب

درس ۶؛ وقتی قصه شنیده شد

متن اصلی ۹۹
تمرین‌ها ۱۰۴
شعر بخوانیم ۱۱۱
ترجمهٔ ترکی متن ۱۱۳
واژه‌ها و کاربرد زبان ۱۰۲
فرهنگ ایران ۱۱۰
بیشتر بدانیم ۱۱۲
پاسخ‌نامه ۳۱۲

درس ۷؛ قصه از اتاق بیرون رفت

متن اصلی ۱۱۷
تمرین‌ها ۱۲۲
شعر بخوانیم ۱۳۰
ترجمهٔ ترکی متن ۱۳۲
واژه‌ها و کاربرد زبان ۱۲۰
فرهنگ ایران ۱۲۹
بیشتر بدانیم ۱۳۱
پاسخ‌نامه ۳۱۴

درس ۸؛ قصه‌ای که از ما جلو زد

متن اصلی ۱۳۵
تمرین‌ها ۱۴۰
شعر بخوانیم ۱۴۷
ترجمهٔ ترکی متن ۱۴۹
واژه‌ها و کاربرد زبان ۱۳۸
فرهنگ ایران ۱۴۶
بیشتر بدانیم ۱۴۸
پاسخ‌نامه ۳۱۶

درس ۹؛ عکس پاک شد، ماجرا نه

متن اصلی ۱۵۲
تمرین‌ها ۱۵۷
شعر بخوانیم ۱۶۶
ترجمهٔ ترکی متن ۱۶۸
واژه‌ها و کاربرد زبان ۱۵۵
فرهنگ ایران ۱۶۵
بیشتر بدانیم ۱۶۷
پاسخ‌نامه ۳۱۸

درس ۱۰؛ اسمِ کی روی جلد میاد؟

متن اصلی ۱۷۱
تمرین‌ها ۱۷۶
شعر بخوانیم ۱۸۴
ترجمهٔ ترکی متن ۱۸۶
واژه‌ها و کاربرد زبان ۱۷۴
فرهنگ ایران ۱۸۳
بیشتر بدانیم ۱۸۵
پاسخ‌نامه ۳۲۰

مرور ۲؛ برای کسی که آنجا نبود

متن مرور ۱۸۹
ترجمهٔ ترکی متن ۱۹۹
تمرین‌ها ۱۹۱
پاسخ‌نامه ۳۲۲

بخش ۳

فهرست کتاب

درس ۱۱؛ این قصه هنوز جای تو رو داره

متن اصلی	۲۰۲	واژه‌ها و کاربرد زبان	۲۰۴
تمرین‌ها	۲۰۶	فرهنگ ایران	۲۱۳
شعر بخوانیم	۲۱۴	بیشتر بدانیم	۲۱۵
ترجمهٔ ترکی متن	۲۱۶	پاسخ‌نامه	۳۲۶

درس ۱۲؛ قبل از اینکه درها باز بشه

متن اصلی	۲۱۹	واژه‌ها و کاربرد زبان	۲۲۲
تمرین‌ها	۲۲۴	فرهنگ ایران	۲۳۰
شعر بخوانیم	۲۳۱	بیشتر بدانیم	۲۳۲
ترجمهٔ ترکی متن	۲۳۳	پاسخ‌نامه	۳۲۸

درس ۱۳؛ من یه جور دیگه فهمیدم

متن اصلی	۲۳۶	واژه‌ها و کاربرد زبان	۲۳۹
تمرین‌ها	۲۴۱	فرهنگ ایران	۲۴۸
شعر بخوانیم	۲۴۹	بیشتر بدانیم	۲۵۰
ترجمهٔ ترکی متن	۲۵۱	پاسخ‌نامه	۳۳۰

درس ۱۴؛ این صفحه هم مال ماست

متن اصلی	۲۵۴	واژه‌ها و کاربرد زبان	۲۵۷
تمرین‌ها	۲۵۹	فرهنگ ایران	۲۶۵
شعر بخوانیم	۲۶۶	بیشتر بدانیم	۲۶۷
ترجمهٔ ترکی متن	۲۶۸	پاسخ‌نامه	۳۳۲

درس ۱۵؛ کتاب به دست خواننده رسید

متن اصلی	۲۷۱	واژه‌ها و کاربرد زبان	۲۷۴
تمرین‌ها	۲۷۶	فرهنگ ایران	۲۸۲
شعر بخوانیم	۲۸۳	بیشتر بدانیم	۲۸۴
ترجمهٔ ترکی متن	۲۸۵	پاسخ‌نامه	۳۳۴

مرور ۳؛ از تصمیم تا نتیجه

متن مرور	۲۸۸	تمرین‌ها	۲۹۰
ترجمهٔ ترکی متن	۲۹۶	پاسخ‌نامه	۳۳۶

درس ۱

ماجرا از اینجا شروع شد

متن را بخوانید و به دیدگاه‌های متفاوت و رابطهٔ رویدادها توجه کنید.



صبح شنبه، زانکو قبل از بقیه به آکادمی رسید. روی میز هنوز سه نسخه از پروندهٔ قبلی مونده بود؛ همون‌هایی که مهتاب برای کتابخونهٔ سیار خواسته بود. اون‌ها رو توی پاکت گذاشت و کنار در گذاشت تا موقع رفتن یادش نره. این بار قرار نبود چیزی به اون پرونده اضافه کنن. چند نفر به دعوتی که آخر کار برای خواننده‌ها فرستاده بودن جواب داده بودن و حالا باید می‌دیدن از بین اون پیشنهادها، چه کاری رو می‌تونن با خودِ پیشنهاددهنده‌ها شروع کنن.

دنیز با چند برگه وارد شد و گفت: «من جواب‌ها رو دسته‌بندی کردم. بعضیا دوست دارن خاطره شون رو تعریف کنن، بعضیا فقط می‌خوان توی انتخاب موضوع کمک کنن. دو نفر هم پرسیدن باید حتماً فارسی رو خیلی خوب بلد باشن یا نه.» الیف گفت: «خوبه همین اول جواب این یکی رو بدیم. اگه کسی برای نوشتن کمک بخواد، می‌تونیم کنارش باشیم. قرار نیست فقط کسایی بیان که از قبل نویسنده ان.» زانکو گفت قبل از فرستادن جواب، بهتره معلوم کنن کمک کردن دقیقاً یعنی چه کاری؛ وگرنه ممکنه هرکسی انتظار متفاوتی پیدا کنه.

آرمان فهرست دنیز رو برداشت. برای هر پیشنهاد یه عنوان کوتاه نوشته شده بود. گفت: «اگه از هر موضوع یه روایت برداریم، مجموعه مون متنوع می‌شه.» الیف برگه رو ازش گرفت و پرسید: «ولی چی این روایت‌ها رو به هم وصل می‌کنه؟ فقط اینکه همه شون جالبن؟» آرمان چند لحظه به عنوان‌ها نگاه کرد. برای این سؤال جوابی آماده نکرده بود. تا اون موقع بیشتر به جمع کردن روایت‌ها فکر کرده بود تا اینکه خواننده چرا باید اون‌ها رو کنار هم بخونه.

کمی بعد، شیرین رسید؛ همون خواننده‌ای که دنیز در برنامهٔ کتابخونهٔ سیار دیده بود. یه دفتر کوچیک همراهش بود، اما وقتی نشست، بازش نکرد.

گفت: «من دربارهٔ روزی نوشته‌ام که آبِ محله مون قطع شد. قصهٔ عجیبی نیست، ولی اون روز چند نفر که معمولاً فقط به هم سلام می‌کردن، مجبور شدن با هم یه کاری بکنن.» آرمان گفت: «پس می‌تونیم بذاریمش توی بخش همکاری.» شیرین لبخند زد و گفت: «می‌تونیم اول بخونیمش؟ من هنوز نگفتم آخرش همه با هم کنار اومدن!»

سارا از تبریز به جلسه وصل شده بود. آخرین جملهٔ شیرین رو شنید و گفت: «فکر کنم داریم قبل از شنیدن قصه، براش نتیجه می‌نویسیم.» زانکو برگهٔ عنوان‌ها رو از وسط میز کنار کشید. از شیرین پرسید چی باعث شده دربارهٔ اون روز بنویسه. شیرین گفت بیشتر از قطع شدن آب، حرف‌هایی براش مهم بوده که همسایه‌ها دربارهٔ هم زده بودن. بعضی‌ها فکر می‌کردن دیگران کمکی نکردن، در حالی که از کار هم خبر نداشتن. او می‌خواست روایت یک همسایهٔ دیگه رو هم بشنون، نه اینکه فقط نوشتهٔ خودش رو مرتب کنن.

علی پرسید: «اون همسایه هم دوست داره توی کار باشه؟» شیرین گفت هنوز نپرسیده. آرمان پیشنهاد داد همون روز باهاش تماس بگیرن، اما سارا گفت: «اول ازش بپرسین اصلاً علاقه داره یا نه. شاید فقط بخواد حرف بزنه و نخواد چیزی ازش منتشر بشه.» زانکو روی برگهٔ تازه‌ای نوشت: «هیچ روایتی منتشر نمی‌شه، مگر اینکه صاحبش متن نهایی رو تأیید کنه.» بعد اضافه کرد: «این شرط لازمه، ولی تأیید متن به‌تنهایی قول چاپ نیست. باید ببینیم روایت به موضوع مجموعه هم مربوطه یا نه.»

شیرین بالاخره دفترش رو باز کرد. گفت: «من موافقم، به شرط اینکه اگه جایی رو نفهمیدین، از خودم بپرسین. بعضی جمله هام شاید نیاز به تغییر داشته باشه، ولی نمی‌خوام آخرش حرفی توی متن باشه که من نزده‌ام.» الیف گفت می‌تونه در مرتب کردن جمله‌ها کمک کنه و هر تغییری رو به شیرین نشون بده. دنیز هم پیشنهاد داد عنوان هر روایت رو بعد از خوندن متن انتخاب کنن. آرمان عنوان «همکاری همسایه‌ها» رو خط زد و به جاش فقط نوشت: «روایت شیرین؛ عنوان هنوز انتخاب نشده.»

حالا سؤال اصلی روشن‌تر شده بود: آدم‌ها چطور از یک اتفاق مشترک، تجربه‌های متفاوتی پیدا می‌کنن؟ سارا گفت اگر این سؤال رو محور کار بذارن، لازم نیست از هر موضوعی چیزی توی مجموعه داشته باشن. علی یادآوری کرد که شنیدن چند روایت، لزوماً به معنی پیدا کردن یک نفرِ مقصر نیست. ممکنه بعضی تفاوت‌ها هم باقی بمونه. شیرین گفت همین براش جالبه؛ دوست داره بفهمه همون همسایه‌ای که شیرین اون روز ازش دلخور شده بود، ماجرا رو چطور دیده.

آخر جلسه، فقط قدم اول رو مشخص کردن: قرار شد شیرین از همسایه‌اش دربارهٔ همکاری بپرسه،

الیف نوشتهٔ شیرین رو بخونه و دنیز سؤال‌هایی رو که موقع خوندن پیش میاد، یادداشت کنه. آرمان پرسید: «پس امروز حتی اسم مجموعه رو هم انتخاب نکردیم؟» زانکو گفت: «نه، ولی فهمیدیم قراره دنبال چی بگردیم.» وقتی بقیه آمادهٔ رفتن شدن، مهتاب برای بردن پاکتِ نسخه‌های پرونده رسید. شیرین دفترش رو دوباره توی کیف گذاشت. این بار فقط برای تحویل دادن یه نوشته نیومده بود؛ حالا توی انتخاب سؤالِ کار هم نقش داشت.

واژه‌ها را کشف کنید

روایت

شرح یک رویداد از نگاه یک شخص.

محور

موضوع یا پرسشی که بخش‌های یک کار حول آن شکل می‌گیرند.

دسته‌بندی کردن

قرار دادن موارد مرتبط در گروه‌های مشخص.

پیش‌داوری

داوری پیش از بررسی کافی.

تأیید کردن

اعلام موافقت یا درست دانستن چیزی.

به‌تنهایی

بدون همراهی عامل یا شرط دیگر.

دلخور شدن

از رفتار یا سخن کسی ناراحت شدن.

کنار آمدن

رسیدن به سازگاری با یک شخص یا وضعیت.

قول دادن

به کسی اطمینان دادن که کاری را انجام خواهیم داد.

صاحب روایت

در این درس: کسی که تجربهٔ خودش را روایت کرده و متنِ تنظیم شده برای تأیید به او ارائه می‌شود.

کاربرد زبان؛ شرط و استثنا

ساختار	کاربرد	مثال
اگر	بیان شرط	اگر فرصت داشته باشیم، متن را می‌خوانیم.
به شرط اینکه	تأکید بر شرط	همکاری می‌کنم، به شرط اینکه تغییرها را ببینم.
مگر اینکه	بیان استثنا	متن منتشر نمی‌شود، مگر اینکه نویسنده تأیید کند.
حتی اگر	تغییر نکردن نتیجه	حتی اگر متن جالب باشد، بدون اجازه منتشر نمی‌شود.
در غیر این صورت	پیامد رعایت نشدن شرط	اجازه بگیرید؛ در غیر این صورت، متن را منتشر نکنید.

نکتهٔ آزمونی: به منفی یا مثبت بودن فعل دقت کنید؛ «تأیید کند» و «تأیید نکند» معنی یکسانی ندارند. لازم‌بودنِ یک شرط، به‌خودی خود به معنی کافی‌بودن آن نیست؛ در این داستان، تأیید راوی لازم است، اما انتخاب متن برای انتشار به ارتباط آن با موضوع مجموعه هم بستگی دارد.

تمرین‌ها



۱. با توجه به داستان، پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱) گروه در آغاز جلسه باید چه چیزی را روشن می‌کرد؟

الف) تعداد نسخه‌های فروش رفتهٔ پروندهٔ قبلی
ب) شیوهٔ ارسال کتاب‌ها به تبریز
پ) هدف و شکل همکاری تازه با پیشنهاددهندگان
ت) علت تعطیل شدن کتابخانهٔ سیار
ث) زمان چاپ دوبارهٔ همهٔ گزارش‌های قبلی

۲) چرا شیرین خواست پیش از انتخاب عنوان، نوشته‌اش خوانده شود؟

الف) نمی‌خواست نتیجهٔ روایت، پیش از شنیدن آن تعیین شود.
ب) تصمیم گرفته بود موضوع نوشته‌اش را عوض کند.
پ) عنوان پیشنهادی از نظر املایی اشتباه بود.
ت) نوشتهٔ او دربارهٔ محله نبود.
ث) قرار بود سارا به‌تنهایی عنوان را انتخاب کند.

۳) در عبارت «این شرط لازمه»، منظور زانکو کدام شرط است؟

الف) کوتاه بودن همهٔ روایت‌ها
ب) حضور نویسنده در آکادمی
پ) انتخاب عنوان پیش از خواندن متن
ت) یکسان بودن نظر همهٔ همسایه‌ها
ث) تأیید متن نهایی از سوی صاحب روایت

۴) کدام برداشت از پایان داستان دقیق‌تر است؟

الف) تمام متن‌های مجموعه برای انتشار آماده شده‌اند.

ب) گروه سؤال مشترک و قدم نخست کار را مشخص کرده است.

پ) شیرین مسئول نوشتن تمام روایت‌ها شده است.

ت) گروه تصمیم گرفته است اختلاف روایت‌ها را حذف کند.

ث) عنوان مجموعه و زمان انتشار آن قطعی شده است.



۲. جای خالی را از نظر دستور و معنا کامل کنید.

۵) شرط زیر مربوط به موافقت احتمالی در آینده است: «شیرین همکاری می‌کند، به شرط اینکه تغییرها را پیش از انتشار ..... .»

الف) دیده است

ب) دید

پ) می‌دید

ت) ببیند

ث) خواهد دید

۶) منظور این است که بدون تأیید نویسنده، انتشار انجام نمی‌شود: «نوشته منتشر نخواهد شد، ..... نویسنده متن نهایی را تأیید کند.»

الف) بنابراین

ب) مگر اینکه

پ) با اینکه

ت) زیرا

ث) به همین دلیل

۷) «اگر همسایهٔ شیرین به همکاری علاقه‌مند .....، ابتدا دربارهٔ نوع مشارکت با او گفت‌وگو می‌کنیم.»

الف) بودند
ب) باشیم
پ) باشی
ت) بوده‌ام
ث) باشد

۸) رابطهٔ جمله‌ها باید چنین باشد: اگر هدف روشن نشود، انتظارها ممکن است متفاوت باشند. «هدف همکاری را روشن کنید؛ ..... افراد ممکن است انتظارهای متفاوتی پیدا کنند.»

الف) در غیر این صورت
ب) به عبارت دیگر
پ) برای مثال
ت) علاوه بر این
ث) در نتیجهٔ همین توضیح

۹) کدام گزینه نشان می‌دهد جالب بودن متن، الزامِ گرفتن اجازه را از بین نمی‌برد؟ «..... متن بسیار جالب باشد، باز هم بدون اجازهٔ صاحب روایت منتشر نمی‌شود.»

الف) از آنجا که
ب) به محض اینکه
پ) حتی اگر
ت) برای اینکه
ث) به شرط آنکه

۱۰) «الیف قرار است تغییرها را به شیرین نشان دهد تا او بتواند آن‌ها را ..... .»

الف) تأیید کرده است
ب) تأیید می‌کند
پ) تأیید کرد
ت) تأیید کند
ث) تأیید خواهد کرد

۱۱) «شیرین با ویرایش متن موافق است، به شرط اینکه حرف تازه‌ای به روایتش ..... .»

الف) اضافه می‌شود
ب) اضافه کرد
پ) اضافه نشود
ت) اضافه کرده‌اند
ث) اضافه خواهد شد

۱۲) «اگر همسایه نخواهد در کار شرکت کند، گروه نباید او را به همکاری ..... .»

الف) وادار کرده بود
ب) وادار می‌کند
پ) وادار کرده است
ت) وادار خواهد کرد
ث) وادار کند



۳. متن کوتاه را با گزینهٔ مناسب کامل کنید.

گروه برای خوانندگان پیامی آماده کرد: «اگر به همکاری علاقه‌مند هستید، موضوع پیشنهادی خود را بنویسید. برای شرکت در این مرحله لازم نیست نویسندهٔ حرفه‌ای (۱۳) ..... . هیچ نوشته‌ای منتشر نمی‌شود، (۱۴) ..... صاحب آن نسخهٔ نهایی را تأیید کند. حتی با دریافت این تأیید، انتخاب متن به ارتباط آن با موضوع مجموعه هم بستگی دارد.»

۱۳)

الف) باشید
ب) بودید
پ) بوده‌اید
ت) خواهید بود
ث) می‌بودید

۱۴)

الف) چون
ب) با اینکه
پ) بنابراین
ت) مگر اینکه
ث) در حالی که



۴. نزدیک‌ترین معنی را انتخاب کنید.

۱۵) «تأیید نویسنده به‌تنهایی قول چاپ نیست.»

الف) تأیید نویسنده برای چاپ لازم نیست.
ب) برای چاپ، علاوه بر تأیید نویسنده، شرایط دیگری هم بررسی می‌شود.
پ) هیچ متن تأییدشده‌ای چاپ نمی‌شود.
ت) نویسنده باید پیش از تأیید، متن را چاپ کند.
ث) گروه بدون اطلاع نویسنده دربارهٔ چاپ تصمیم می‌گیرد.

۱۶) «تا از علاقهٔ همسایه مطمئن نشویم، نقشی برای او تعیین نمی‌کنیم.»

الف) علاقهٔ همسایه فقط بعد از تعیین نقش او بررسی می‌شود.
ب) همسایه علاقه‌ای به همکاری ندارد.
پ) نقش همسایه از قبل قطعی شده است.
ت) پرسیدن دربارهٔ علاقهٔ همسایه لازم نیست.
ث) تعیین نقش به روشن شدن علاقهٔ همسایه وابسته است.



۵. پیوستگی متن را بررسی کنید.

۱۷) کدام جمله برای جای خالی مناسب‌تر است؟ «در فهرست دنیز، برای هر پیشنهاد عنوانی نوشته شده بود. آرمان می‌خواست از هر موضوع یک روایت انتخاب کنند. ..... پس از این پرسش، گروه به جای تعداد موضوع‌ها، دربارهٔ ارتباط میان روایت‌ها صحبت کرد.»

الف) مهتاب پاکتِ نسخه‌های پرونده را از کنار در برداشت.

ب) شیرین دفترش را در کیف گذاشته بود.

پ) الیف پرسید چه چیزی این روایت‌های متفاوت را به هم وصل می‌کند.

ت) علی گفت تعداد صفحه‌های پروندهٔ قبلی کم نشده است.

ث) سارا زمان حرکت کتابخانهٔ سیار را پرسید.

۱۸) کدام جمله با منطق سایر جمله‌های بند سازگار نیست؟ ۱) گروه، تأیید راوی را یکی از شرط‌های انتشار می‌داند. ۲) علاوه بر این تأیید، ارتباط متن با پرسش مشترک مجموعه را بررسی می‌کند. ۳) بنابراین، همین که راوی متن را بپذیرد، انتخاب آن برای انتشار قطعی می‌شود. ۴) ممکن است روایتی تأیید شود، اما برای این مجموعه مناسب نباشد. ۵) پس باید میان اجازهٔ انتشار و تصمیم گروه برای انتخاب متن تفاوت گذاشت.

الف) جملهٔ ۱

ب) جملهٔ ۲

پ) جملهٔ ۴

ت) جملهٔ ۳

ث) جملهٔ ۵

۱۹) کدام ترتیب، تصمیم‌گیری گروه را منطقی‌تر نشان می‌دهد؟ ۱. سپس دربارهٔ نوع مشارکت با آن فرد گفت‌وگو می‌کنند. ۲. در پایان، مسئولیت مورد توافق را ثبت می‌کنند. ۳. ابتدا از علاقهٔ فرد به همکاری می‌پرسند. ۴. اگر پاسخ او مثبت باشد، زمان در دسترسش را هم می‌پرسند.

الف) ابتدا ۳، سپس ۴، سپس ۱ و در پایان ۲.
ب) ابتدا ۱، سپس ۲، سپس ۳ و در پایان ۴.
پ) ابتدا ۴، سپس ۳، سپس ۲ و در پایان ۱.
ت) ابتدا ۲، سپس ۱، سپس ۴ و در پایان ۳.
ث) ابتدا ۳، سپس ۲، سپس ۱ و در پایان ۴.

۲۰) کدام عنوان، تغییر نقش شیرین را بهتر نشان می‌دهد؟

الف) نویسنده‌ای که از همکاری منصرف شد
ب) از تحویل نوشته تا مشارکت در انتخاب سؤال
پ) خواننده‌ای که مسئول کتابخانه شد
ت) انتخاب عنوان پیش از شناخت روایت
ث) پایان کار گروه با یک روایت قطعی

فرهنگ ایران

راه‌آهن سراسری؛ پیوند چشم‌اندازها



راه‌آهن سراسری ایران، شمال کشور را در کنار دریای خزر به جنوب و خلیج فارس پیوند می‌دهد. ساخت این مسیر در سال ۱۹۲۷ آغاز شد و در سال ۱۹۳۸ به پایان رسید. مسیر از کوهستان، دشت، جنگل و رودخانه می‌گذرد؛ بنابراین، ساخت آن فقط به قرار دادن ریل روی زمین هموار محدود نبود. برای عبور از بخش‌های دشوار، پل‌ها و تونل‌های متعددی ساخته شد.

این راه‌آهن را می‌توان بخشی از میراث صنعتی ایران دانست. ایستگاه‌ها، سازه‌ها و شیوهٔ طراحی مسیر، از همکاری و دانش فنی دورهٔ ساخت خبر می‌دهند. همچنین، راه‌آهن رفت‌وآمد انسان و کالا را میان مناطق گوناگون آسان‌تر کرد. در شناخت چنین میراثی، تنها زیبایی منظره اهمیت ندارد؛ باید پرسید مسیر چگونه با شکل زمین سازگار شده و چه ارتباطی میان مناطق به وجود آورده است. یک عکس از قطار، همهٔ این تاریخ را نشان نمی‌دهد، اما می‌تواند آغاز پرسش دربارهٔ کار انسان در یک چشم‌انداز گسترده باشد.

شعر بخوانیم؛ کوشش و آغاز

سعدی / مواعظ، قصیدهٔ ۱۲؛ غزلیات، غزل ۴۰۵؛ دو بیت برگزیده

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

معنی: بدون کوشش نمی‌توان به نتیجهٔ ارزشمند رسید؛ شاعر بر ارزش تلاش و عمل تأکید می‌کند.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
وگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم

معنی: قدم گذاشتن در راه دشوار از بی‌عملی بهتر است؛ حتی اگر به خواسته‌ام نرسم، به اندازهٔ توانم تلاش می‌کنم.

واژه‌های شعر

میسر: شدنی؛ دست‌یافتنی
بادیه: بیابان
مراد: خواسته؛ هدف
وُسع: توانایی؛ اندازهٔ توان
بِه، در ترکیب «بِه از»: بهتر

بیشتر بدانیم

نقشهٔ مفهومی؛ رابطهٔ میان فکرها



گاهی پس از خواندن یک متن، چند واژهٔ مهم را به یاد می‌آوریم، اما نمی‌توانیم توضیح دهیم این واژه‌ها چه ارتباطی با یکدیگر دارند. «نقشهٔ مفهومی» روشی برای نشان دادن همین رابطه‌هاست. در این نقشه، مفهوم‌ها در کادرها قرار می‌گیرند و با خط به هم وصل می‌شوند. روی خط‌ها، واژه یا عبارتی نوشته می‌شود که نوع ارتباط را مشخص می‌کند. بنابراین، تنها کشیدن چند خط میان واژه‌ها برای ساختن نقشهٔ مفهومی کافی نیست.

برای نمونه، می‌توان مفهوم «انتشار روایت» را به «تأیید صاحب روایت» وصل کرد و روی خط نوشت: «نیاز دارد به». اکنون این دو مفهوم و عبارت میان آن‌ها یک جملهٔ معنادار می‌سازند: «انتشار روایت به تأیید صاحب روایت نیاز دارد.» اگر عبارت روی خط را به «تضمین می‌شود با» تغییر دهیم، ادعای دیگری ساخته‌ایم؛ ادعایی که در داستان این درس درست نیست. همین مثال نشان می‌دهد انتخاب عبارت رابط، بخشی از فکر کردن دربارهٔ موضوع است.

بهتر است نقشه با یک پرسش روشن آغاز شود؛ مثلاً «برای انتخاب یک روایت چه چیزهایی باید بررسی شود؟» این پرسش به انتخاب مفهوم‌های مرتبط کمک می‌کند. در نمونهٔ این درس، می‌توان «اجازه»، «ارتباط با موضوع» و «نسخهٔ نهایی» را بررسی کرد. در مقابل، اضافه کردن هر واژه‌ای که در داستان آمده است، لزوماً نقشه را مفیدتر نمی‌کند.

نقشه ممکن است هنگام مطالعه تغییر کند. شاید عبارتی مبهم باشد، رابطه‌ای جا افتاده باشد یا لازم شود میان دو بخش ارتباط تازه‌ای نشان داده شود. بازبینی نقشه فرصتی است تا دربارهٔ این موارد دوباره فکر کنیم. زیبایی کادرها جای روشن بودن رابطه‌ها را نمی‌گیرد. اگر نتوان رابطهٔ دو مفهوم را با یک جملهٔ قابل‌فهم توضیح داد، بهتر است به متن برگردیم و آن ارتباط را دوباره بررسی کنیم.

Her Şey Burada Başladı

1

Cumartesi sabahı Zanko akademiye diğerlerinden önce geldi. Masanın üzerinde önceki dosyanın üç nüshası duruyordu; Mehtap bunları gezici kütüphane için istemişti. Çıkarken unutmamak için nüshaları bir zarfa koyup kapının yanına bıraktı. Bu kez o dosyaya yeni bir şey eklemeyeceklerdi. Çalışmanın sonunda okurlara gönderdikleri davete birkaç yeni yanıt gelmişti. Şimdi bu önerilerden hangisini, öneriyi sunan kişilerle birlikte geliştirebileceklerine bakacaklardı.

şu koşulla ki

به شرط اینکه

2

Deniz birkaç kâğıtla içeri girdi. “Yanıtları gruplandırdım. Bazıları anılarını anlatmak, bazıları yalnızca konu seçimine yardım etmek istiyor. İki kişi de Farsçayı mutlaka çok iyi bilmeleri gerekip gerekmediğini sormuş,” dedi. Elif, “Önce buna yanıt verelim. Yazarken yardıma ihtiyaç duyan biri olursa yanında olabiliriz. Katılmak için zaten yazar olmak gerekmiyor,” dedi. Zanko ise yanıt göndermeden önce yardımın tam olarak neleri kapsayacağını açıklığa kavuşturmalarını istedi; yoksa herkesin beklentisi farklı olabilirdi.

... olmadıkça (istisna koşulu)

مگر اینکه

3

Arman, Deniz’in listesini aldı. Her öneri için kısa bir başlık yazılmıştı. “Her konudan bir anlatı seçersek derlememiz çeşitlilik kazanır,” dedi. Elif kâğıdı alıp, “Peki bu anlatıları birbirine ne bağlayacak? Yalnızca hepsinin ilginç olması mı?” diye sordu. Arman bir süre başlıklara baktı. Bu soruya hazırlıklı değildi. O zamana kadar anlatıları toplamayı düşünmüş, okurun onları neden birlikte okuyacağını pek düşünmemişti.

... olsa bile

حتی اگر

4

Biraz sonra, Deniz'in gezici kütüphane etkinliğinde tanıştığı okur Şirin geldi. Yanında küçük bir defter vardı, ama oturunca açmadı. "Mahallemizde suyun kesildiği günü yazdım. Çok sıra dışı bir hikâye değil. O gün normalde yalnızca selamlaşan birkaç kişi birlikte bir şey yapmak zorunda kaldı," dedi. Arman bunu iş birliği bölümüne koyabileceklerini söyledi. Şirin gülümseyerek, "Önce okuyabilir miyiz? Sonunda herkesin anlaştığını henüz söylemedim!" diye karşılık verdi.

aksi hâlde

در غیر این صورت

5

Toplantıya Tebriz'den bağlanan Sara son cümleyi duymuştu. "Galiba hikâyeyi dinlemeden sonucunu yazıyoruz," dedi. Zanko başlık listesini masanın ortasından çekti ve Şirin'e o günü yazmasına neyin neden olduğunu sordu. Şirin için su kesintisinden çok komşuların birbirleri hakkında söyledikleri önemliydi. Bazıları diğerlerinin yardım etmediğini düşünmüş, oysa birbirlerinin yaptıklarından haberdar olmamışlardı. Şirin yalnızca kendi yazısının düzenlenmesini değil, bir başka komşunun anlatısının da dinlenmesini istiyordu.

şu koşulla ki

به شرط اینکه

6

Ali, komşunun da katılmak isteyip istemediğini sordu. Şirin henüz sormamıştı. Arman aynı gün aramayı önerdi. Sara ise, "Önce ilgilenip ilgilenmediğini sorun. Belki yalnızca konuşmak ister, kendisiyle ilgili bir şey yayımlanmasını istemez," dedi. Zanko yeni bir kâğıda, "Anlatıcı son metni onaylamadıkça hiçbir anlatı yayımlanmayacak," yazdı. Ardından, "Bu gerekli bir koşul, ama metni onaylamak tek başına yayım sözü anlamına gelmez. Anlatının derlemenin konusuyla ilgili olup olmadığına da bakmalıyız," diye ekledi.

... olmadıkça (istisna koşulu)

مگر اینکه

7

Şirin sonunda defterini açtı. “Kabul ediyorum, ama anlamadığınız bir yeri bana sormanız koşuluyla. Bazı cümlelerimin değişmesi gerekebilir; yine de sonunda metinde söylemediğim bir şey olsun istemiyorum,” dedi. Elif cümleleri düzenlemeye yardım edip her değişikliği ona gösterebileceğini söyledi. Deniz de başlıkları metinler okunduktan sonra seçmeyi önerdi. Arman, “Komşuların iş birliği” başlığını çizip yerine yalnızca “Şirin’in anlatısı; başlık henüz seçilmedi” yazdı.

... olsa bile

حتی اگر

8

Artık ana soru daha açıktı: İnsanlar ortak bir olayı nasıl farklı biçimlerde deneyimler? Sara, çalışmayı bu soru etrafında kurarlarsa her konudan bir şey eklemeleri gerekmeyeceğini söyledi. Ali ise birkaç anlatıyı dinlemenin mutlaka bir suçlu bulmak anlamına gelmediğini hatırlattı. Bazı farklılıklar devam edebilirdi. Şirin de tam bunu merak ediyordu; o gün kırıldığı komşusunun olayı nasıl gördüğünü öğrenmek istiyordu.

aksi hâlde

در غیر این صورت

9

Toplantının sonunda yalnızca ilk adımı kararlaştırdılar: Şirin komşusuna iş birliğini soracak, Elif Şirin’in yazısını okuyacak, Deniz de okurken ortaya çıkan soruları not edecekti. Arman, “Yani bugün derlemenin adını bile seçmedik mi?” diye sordu. Zanko, “Hayır, ama neyin peşinden gideceğimizi anladık,” dedi. Diğerleri çıkmaya hazırlanırken Mehtap, önceki dosyanın üç nüshasının bulunduğu zarfı almaya geldi. Şirin defterini yeniden çantasına koydu. Bu kez yalnızca bir yazı teslim etmeye gelmemişti; artık çalışmanın sorusunun seçilmesinde de rolü vardı.

şu koşulla ki

به شرط اینکه

پاسخ‌نامه

۱) پ: پاسخ‌های تازه به دعوت رسیده‌اند و گروه باید هدف و نوع همکاری را روشن کند.

۲) الف: عنوان «همکاری» پیش از خواندن روایت، نتیجهٔ آن را از پیش تعیین می‌کرد.

۳) ث: عبارت «این شرط» به تأیید متن نهایی از سوی صاحب روایت برمی‌گردد.

۴) ب: سؤال مشترک و وظیفه‌های قدم اول مشخص شده‌اند؛ عنوان و انتشار هنوز قطعی نیستند.

۵) ت: جملهٔ کامل: «شیرین همکاری می‌کند، به شرط اینکه تغییرها را پیش از انتشار ببینند.»

توضیح تکمیلی: صورت سؤال، شرطی احتمالی در آینده را مطرح کرده است؛ بنابراین «ببینند» به صورت مضارع التزامی می‌آید. «دیده است» و «دید» به گذشته اشاره دارند؛ «خواهد دید» نیز در این ساخت، جای فعل التزامی را نمی‌گیرد.

۶) ب: جملهٔ کامل: «نوشته منتشر نخواهد شد، مگر اینکه نویسنده متن نهایی را تأیید کند.»

توضیح تکمیلی: «مگر اینکه» برای حکم منفیِ انتشار نیافتن، استثنا می‌آورد؛ یعنی بدون تأیید نویسنده، انتشار ممکن نیست. «با اینکه» تضاد می‌سازد و این شرط را بیان نمی‌کند. تأیید نویسنده لازم است، اما به‌تنهایی انتشار را تضمین نمی‌کند.

۷) ث: جملهٔ کامل: «اگر همسایهٔ شیرین به همکاری علاقه‌مند باشد، ابتدا دربارهٔ نوع مشارکت با او گفت‌وگو می‌کنیم.»

توضیح تکمیلی: هستهٔ فاعل، «همسایه» و سوم شخص مفرد است؛ پس «باشد» مناسب است. این فعل، علاقه‌مندی را به صورت شرط احتمالی بیان می‌کند. «باشیم» و «باشی» با شخص فاعل هماهنگ نیستند.

۸) الف: جملهٔ کامل: «هدف همکاری را روشن کنید؛ در غیر این صورت، افراد ممکن است انتظارهای متفاوتی پیدا کنند.»

توضیح تکمیلی: عبارت «در غیر این صورت» یعنی «اگر هدف را روشن نکنید»؛ پس پیامد انجام نشدن دستور را معرفی می‌کند. «در نتیجهٔ همین توضیح» برعکس، تفاوت انتظارها را پیامد روشن کردن هدف نشان می‌دهد.

بازگشت به درس

۹) پ: جملهٔ کامل: «حتی اگر متن بسیار جالب باشد، باز هم بدون اجازهٔ صاحب روایت منتشر نمی‌شود.»

توضیح تکمیلی: همراهیِ «حتی اگر» با «باز هم» نشان می‌دهد نتیجه با وجود آن شرط تغییر نمی‌کند. «به شرط آنکه» شرط وقوع نتیجه را بیان می‌کند، نه بی اثر بودن جالب بودن متن بر الزام گرفتن اجازه.

۱۰) ت: جملهٔ کامل: «الیف قرار است تغییرها را به شیرین نشان دهد تا او بتواند آن‌ها را تأیید کند.»

توضیح تکمیلی: پس از «بتواند»، فعل بعدی در این ساخت به صورت مضارع التزامی می‌آید: «تأیید کند». فاعل هر دو فعل «او» است. «تأیید می‌کند» اخباری است و در این جایگاه ساخت جمله را کامل نمی‌کند.

۱۱) پ: جملهٔ کامل: «شیرین با ویرایش متن موافق است، به شرط اینکه حرف تازه‌ای به روایتش اضافه نشود.»

توضیح تکمیلی: «حرف تازه‌ای» چیزی است که نباید افزوده شود؛ بنابراین ساخت مجهول و منفی لازم است. «نشود» صورت منفیِ التزامیِ «شود» است. «اضافه می‌شود» هم اخباری است و هم برخلاف خواستهٔ شیرین، افزودن مطلب را بیان می‌کند.

۱۲) ث: جملهٔ کامل: «اگر همسایه نخواهد در کار شرکت کند، گروه نباید او را به همکاری وادار کند.»

توضیح تکمیلی: پس از «نباید»، فعل «وادار کند» در این ساخت به صورت مضارع التزامی می‌آید. منفی بودن جمله در «نباید» بیان شده است. «وادار می‌کند» اخباری است و پس از «نباید» در این جمله درست نیست.

۱۳) الف: جملهٔ کامل: «برای شرکت در این مرحله لازم نیست نویسندهٔ حرفه‌ای باشید.»

توضیح تکمیلی: عبارت «لازم نیست» ضرورت را نفی می‌کند و «باشید» صورت التزامیِ مناسب این ساخت است. شناسهٔ آن نیز با مخاطبِ «هستید» و «بنویسید» هماهنگ است. «بودید» دربارهٔ گذشته است، نه شرط کنونی شرکت در کار.

۱۴) ت: جملهٔ کامل: «هیچ نوشته‌ای منتشر نمی‌شود، مگر اینکه صاحب آن نسخهٔ نهایی را تأیید کند.»

توضیح تکمیلی: «هیچ» و «نمی‌شود» حکم منفی می‌سازند و «مگر اینکه» استثنای آن را معرفی می‌کند. «چون» علت می‌آورد و رابطهٔ شرطیِ موردنظر را نمی‌رساند. جملهٔ بعد نیز نشان می‌دهد تأیید، تنها شرط انتخاب متن نیست.

بازگشت به درس

۱۵) ب: توضیح تکمیلی: عبارت «به‌تنهایی» نشانهٔ اصلی پاسخ است: تأیید نویسنده لازم است، اما برای تضمین چاپ کافی نیست و شرایط دیگری هم بررسی می‌شود. گزینهٔ الف، لازم بودن تأیید را رد می‌کند؛ گزینهٔ پ نیز از جمله، ممنوعیت چاپ همهٔ متن‌های تأییدشده را نتیجه می‌گیرد. هیچ کدام با معنای متن سازگار نیستند.

۱۶) ث: توضیح تکمیلی: در ساخت «تا ... نشویم، ... نمی‌کنیم»، انجام کار دوم به تحقق شرط اول وابسته است. بنابراین، پیش از اطمینان از علاقهٔ همسایه، نقشی برای او تعیین نمی‌شود. منفی بودن «مطمئن نشویم» به معنای بی علاقه بودن همسایه نیست؛ هنوز دربارهٔ علاقهٔ او اطمینان ندارند.

۱۷) پ: عبارت بعدیِ «پس از این پرسش» باید به پرسشی دربارهٔ ارتباط روایت‌ها برگردد.

۱۸) ت: جملهٔ سوم، شرط لازم را کافی در نظر گرفته است؛ درحالی که جمله‌های دیگر، ارتباط متن با موضوع مجموعه را نیز لازم می‌دانند.

۱۹) الف: ابتدا ۳، سپس ۴، سپس ۱ و در پایان ۲: علاقه پرسیده می‌شود، زمان و نوع مشارکت روشن می‌شود و در پایان مسئولیت ثبت می‌شود.

۲۰) ب: شیرین از تحویل دهندهٔ متن به فردی تبدیل می‌شود که در انتخاب سؤال مشترک نقش دارد.